



شرح قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح

محمد رضا یزدانیان (مدیرکل حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح)
(قسمت اول)

مقدمه:

قانون جدید مجازات جرایم نیروهای مسلح که در روزنامه رسمی مورخ ۸۲/۱۱/۱۲ چاپ و منتشر شده، مشتمل بر ۱۳۷ ماده و ۵۱ تبصره می باشد که در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ ۸۲/۱۰/۹ مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۸۲/۱۰/۲۵ به تأیید شورای نگهبان رسیده است. قانون مزبور توانسته اصول و تدابیر نوین و راه کارهای مؤثری را در جهت صدور احکام متناسب ارائه دهد. به عبارت دیگر، مقنن ضمن توجه خاص به اصل مفید بودن و سودمند بودن مجازات ها و لزوم اثربخشی و کارایی و بازدارندگی آنها، سیاست های راهبردی کیفری مهمی را به عنوان سیاست های کیفری تقنینی در مقابل پدیده مجرمانه اتخاذ نموده که با اشاره به سرفصل برخی از این سیاست های کیفری به شرح قانون می پردازیم:

۱- اتخاذ سیاست نزدیک سازی احکام

دادگاه ها با پیش بینی قواعد خاص تخفیف و تبدیل مجازات ها.

۲- سیاست فراهم نمودن زمینه مدیریت قضایی در فرآیند دادرسی کیفری.

۳- توجه به هدف اصلاحی مجازات حبس بایش بینی تأسیس حقوقی جدید حبس با خدمت.

۴- اعمال سیاست راهبردی و اصولی جرم زدایی یا کاهش عناوین مجرمانه از شناسنامه کیفری قوانین مجازات جرایم نیروهای مسلح.

۵- اتخاذ سیاست کیفری اجرایی به منظور تحکیم مبانی نظم و انضباط در نیروهای مسلح.

۶- متمرکز نمودن قوانین جزایی مختلف و مرتبط با صلاحیت رسیدگی سازمان قضایی.

۷- تعلیق اثر تبعی محکومیت های منجر به اخراج کارکنان نیروهای مسلح.

۸- حمایت ویژه از حقوق نیروهای مسلح در مورد ضرروزیان و خسارت های ناشی از جرایم.

شرح قانون:

فصل اول: مواد عمومی

*** ماده (۱) ***

دادگاه های نظامی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی کلیه افراد زیر که در این قانون به اختصار «نظامی» خوانده می شوند، رسیدگی می کنند:

الف) کارکنان ستادکل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و سازمان های وابسته.

ب) کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران و سازمان های وابسته.

ج) کارکنان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران و سازمان های وابسته و اعضای بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

د) کارکنان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمان های وابسته.

ه) کارکنان مشمول قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.

و) کارکنان وظیفه از تاریخ شروع خدمت تا پایان آن.

منظور از جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی، بزه‌هایی است که اعضای نیروهای مسلح در ارتباط با وظایف و مسئولیت‌های نظامی و انتظامی که طبق قانون و مقررات به عهده آنان است مرتکب می‌گردند

۳- (محصلان - موضوع قوانین استخدامی نیروهای مسلح - مراکز آموزشی نظامی و انتظامی در داخل و خارج از کشور و نیز مراکز آموزشی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.

ج) کسانی که به طور موقت در خدمت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران هستند و طبق قوانین استخدامی نیروهای مسلح، در مدت مزبور از اعضای نیروهای مسلح محسوب می‌شوند.

تبصره ۱ - جرایم نظامی و انتظامی کارکنان مذکور که در سازمان‌های دیگر خدمت می‌کنند در دادگاه‌های نظامی رسیدگی می‌شود.

تبصره ۲ - رهایی از خدمت مانع رسیدگی به جرایم زمان اشتغال نمی‌شود.

تجزیه و تحلیل حقوقی ماده (۱):

۱ - منظور از جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی بزه‌هایی است که اعضای نیروهای مسلح در ارتباط با وظایف و مسئولیت‌های نظامی و انتظامی که طبق قانون و مقررات به عهده آنان است مرتکب می‌گردند. (تبصره «۱» ماده ۱ قانون دادرسی نیروهای مسلح)

۲ - ماده (۲۱) قانون ارتش، پرسنل (کارکنان) ارتش را شامل کسانی دانسته که برابر شرایط و مقررات مندرج در قانون مزبور

و یا قانون خدمت وظیفه عمومی به خدمت پذیرفته می‌شوند و آنها عبارتند از:

الف) کادر ثابت،

ب) وظیفه،

ج) پیمانی.

همچنین وفق مقررات ماده (۲۲) قانون موصوف، کادر ثابت به پرسنلی اطلاق می‌گردد که برای انجام خدمت مستمر در ارتش استخدام می‌شوند و عبارتند از:

۱ - نظامیان،

۲ - کارمندان،

۳ - محصلین.

۳ - ماده (۶) قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، کارکنان (پرسنل) سپاه را شامل کادر ثابت، وظیفه، پیمانی و بسیجی دانسته و ماده (۷) قانون مزبور، پاسداران رسمی، کارمندان و محصلین را به عنوان کادر ثابت سپاه معرفی نموده است. با عنایت به اینکه طبق مقررات ماده (۶) قانون استخدامی سپاه، اعضای بسیج از کارکنان سپاه پاسداران محسوب می‌شوند، نیازی به ذکر عبارت «و اعضای بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» در بند «ج» نبود و عبارت «کارکنان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سازمان‌های وابسته» کافی و جامع به نظر می‌رسد.

۴ - تعریف و تقسیم‌بندی پرسنل (کارکنان) نیروی انتظامی نیز مشابه مقررات قانون ارتش می‌باشد.

۵ - در مورد کارکنان ستاد کل و وزارت دفاع حسب نوع عضویت آنان، تعریف و تقسیم‌بندی قانون ارتش و یا قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بروضعیت پرسنلی آنان حاکم می‌باشد.

۶ - در مورد کارکنان وظیفه با عنایت به اینکه طبق مقررات ماده (۲۱) قانون ارتش و ماده (۶) قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران و ماده (۹) قانون مقررات استخدامی

نیروی انتظامی، پرسنل وظیفه جزء کارکنان نیروهای مسلح محسوب می‌شوند. بنابراین، عدم تصریح در بند «و» مشکلی در مورد رسیدگی به جرایم آنان ایجاد نمی‌کند. در مورد محصلان موضوع بند «ز» نیز وضعیت به همین صورت است.

۷ - در خصوص بند «ح» می‌توان به پرسنل پیمانی، یعنی افرادی که خدمت پیمانی خود را به صورت نظامی یا کارمند برابر مقررات استخدامی نیروهای مسلح انجام می‌دهند و همچنین پرسنل خرید خدمت یعنی کسانی که فوق مقررات مربوط، خدمت مشخصی را برابر قرارداد معینی انجام می‌دهند، اشاره نمود.

برابر مقررات ماده (۱۰) آیین‌نامه نحوه استفاده از خدمات اشخاص به صورت خرید خدمت و برای خدمت مشخص، معین و محدود.... مصوب ۶۹/۱۰/۳۰ هیأت وزیران: «پرسنل خرید خدمت موضوع این آیین‌نامه از نظر مقررات انضباطی و کیفری در غیر از مواردی که در این آیین‌نامه پیش‌بینی شده است تابع قوانین و مقررات نیرو و یا سازمانی که در آن انجام وظیفه می‌نمایند، خواهند بود.»

بنابراین، کسانی که به صورت روزمزد در نیروهای مسلح خدماتی را انجام می‌دهند، به دلیل اینکه از اعضای نیروهای مسلح و یا نظامی محسوب نمی‌شوند مشمول مقررات بند «ح» ماده (۱) نمی‌گردند.

۸ - در مورد تبصره «۱» شایان ذکر است که صرفاً جرایم نظامی و انتظامی کارکنان مذکور در ماده (۱) که در سازمان‌های غیر نظامی خدمت می‌کنند در دادگاه‌های نظامی رسیدگی می‌شود. بنابراین، سایر جرایم این گونه افراد اعم از جرایم عمومی یا جرایمی که در ارتباط با وظایف و مسئولیت‌های اداری غیر نظامی خود در سازمان محل خدمت مرتکب می‌شوند، در دادگاه‌های عمومی رسیدگی می‌شود؛ لیکن هر گاه در حین تحقیقات و رسیدگی به



جرایم خاص نظامی یا انتظامی افراد مزبور جرم دیگری کشف شود، سازمان قضایی به استناد ماده (۱) قانون «تعیین حدود صلاحیت دادسراها و دادگاههای نظامی کشور» به جرم اخیر نیز رسیدگی خواهد کرد. **** ماده (۲) ****

«دادگاه نظامی مکلف است در مواردی که مجازات جرمی در این قانون ذکر شده باشد به استناد این قانون حکم صادر نماید. اعمال تخفیف و تبدیل نیز به موجب همین قانون خواهد بود.»

تبصره: در مواردی که مجازات جرمی در این قانون ذکر نشده باشد، چنانچه رسیدگی به آن جرم در صلاحیت دادگاه نظامی باشد، دادگاه نظامی طبق قانون مربوط به آن جرم تعیین کیفری نماید و اعمال تخفیف و تبدیل نیز به موجب همان قانون خواهد بود.

هرچند که از مفهوم مخالف مقررات ماده (۲) قانون سابق نیز چنین حکمی استنباط می‌گردید، لیکن مقنن در راستای سیاست کیفری ایجاد رویه واحد قضایی در دادگاههای نظامی بصراحت قید نموده که در مواردی که مجازات جرمی در این قانون ذکر شده است، دادگاه نظامی مکلف است با استناد این قانون، حکم صادر و یا اعمال تخفیف و تبدیل مجازات نماید، مگر آنکه مجازات جرمی در این قانون ذکر نشده باشد که در این صورت تعیین کیفر و اعمال تخفیف و تبدیل مجازات نیز طبق قانون مربوط به آن جرم خواهد بود.

البته منظور از عبارت «همان قانون» در قسمت اخیر تبصره، این است که اعمال تخفیف و تبدیل به موجب قواعد عمومی خواهد بود؛ زیرا در همه قوانین کیفری که مجازات‌ها را بیان می‌کنند، قواعد تخفیف و تبدیل مجازات ذکر نمی‌شود. به عبارت دیگر، می‌توان گفت قانونگذار در این مورد

در مقام بیان ارجاع مقررات تخفیف مجازات به قوانین عمومی بوده که در تدوین عبارت دقت لازم به عمل نیامده است.

در مواد (۸)، (۷)، (۵)، (۴)، (۳) و (۹) قانون، مقررات مربوط به تخفیف و تبدیل مجازات‌ها بیان شده است. هدف قانونگذار از تبیین قواعد خاص تخفیف و تبدیل مجازات‌ها در واقع اعمال سیاست راهبردی کیفری نزدیک‌سازی آرای محکومیت صادر شده از دادگاههای نظامی در جرایم یکسان و صدور احکام متناسب و مؤثر با لحاظ قراردادن اهمیت جرایم و شدت مجازات قانونی آنها و ایجاد وحدت رویه قضایی در مورد اعمال کیفیات مخففه می‌باشد.

به عبارت دیگر، سیاست کیفری مقنن در بحث تبدیل و تخفیف مجازات‌ها مبتنی بر توجه به نقش مهم و اساسی و اثر خاص بازدارندگی مجازات‌ها به عنوان تدبیری کارآمد و مؤثر در جلوگیری از وقوع یا تکرار بزهکاری است.

هرچند که اعطای کیفیات مخففه از طرف قاضی دادگاه، یک ابزار مهم برای انطباق مجازات‌ها با شخصیت و خصوصیات متهم، اوضاع و احوال و کیفیات وقوع بزه به شمار می‌رود، و این تطبیق می‌تواند از یک طرف به سوابق و روحیات و وضعیت خاص متهم توجه نماید و از طرف دیگر، نگاهی به یکی از اهداف مهم مجازات، یعنی تأمین عدالت کیفری داشته باشد؛ اما استفاده غیرمتعارف و بدون تدبیر و برنامه از مقررات کیفیات مخففه به خصوص در مورد حبس‌های کوتاه مدت و یا سایر مجازات‌های تعزیری می‌تواند اثر معکوس، یعنی بیم‌تجری مرتکب و یا دیگران و یا افزایش نرخ بزهکاری را در پی داشته باشد. به همین جهت، قانونگذار قواعد و مقررات تخفیف و تبدیل مجازات‌ها را در قالب‌های خاص پیش‌بینی

نموده است. البته قاضی در محدوده قالب‌های قانونی حق مانور و انتخاب دارد؛ لیکن حق خروج از این محدوده را در تبدیل و تخفیف مجازات ندارد.

این رویه در حقوق جزای ایران مسبوق به سابقه می‌باشد. در ماده (۴۶) قانون مجازات عمومی، شرایط و مقررات خاصی در مورد تخفیف مجازات‌های از نوع جنحه و جنای پیش‌بینی شده بود.

**** ماده (۳) ****

در کلیه مواردی که حداکثر مجازات حبس در این قانون «تادوسال» است، دادگاه می‌تواند در صورت وجود جهات مخففه، مجازات حبس را تا یک سوم حداقل مجازات قانونی جرم تخفیف داده و یا به یکی از مجازات‌های ذیل متناسب با مجازات اصلی تبدیل نماید:

الف) در مورد کارکنان پایور:

- ۱- کسر حقوق و مزایا به میزان یک چهارم از شش ماه تا یک سال.
- ۲- جزای نقدی از دو میلیون ریال تا بیست میلیون ریال.
- ۳- محرومیت از ترفیع از سه ماه تا یک سال.
- ۴- انفصال موقت از خدمت از سه ماه تا شش ماه.
- ۵- منع اشتغال به خدمت در یک نقطه یا نقاط معین از شش ماه تا یک سال.

استفاده غیرمتعارف و بدون

تدبیر و برنامه از مقررات

کیفیات مخففه به خصوص

در مورد حبس‌های کوتاه مدت و

یا سایر مجازات‌های تعزیری

می‌تواند اثر معکوس، یعنی بیم

تجری مرتکب و یا دیگران و یا

افزایش نرخ بزهکاری را در پی

داشته باشد



قاضی مکلف است هنگام تخفیف

مجازات، جهات مخففه که در ماده

(۲۲) قانون مجازات اسلامی

ذکر شده و شامل حال متهم

می شود را در حکم صریحاً قید

نماید؛ لیکن استناد به ماده (۲۲)

ضرورتی ندارد و باید به ماده

مربوط در قانون مجازات جرایم

نیروهای مسلح استناد کرد

ب) در مورد کارکنان وظیفه:

۱- اضافه خدمت از دو ماه تا چهار ماه.

۲- جزای نقدی از یک میلیون ریال تا ده

میلیون ریال.

۳- منع اشتغال به خدمت در یک نقطه یا

نقاط معین حداقل به مدت شش ماه و

حداکثر تا پایان خدمت وظیفه و در صورتی

که باقیمانده خدمت دوره ضرورت کمتر از

شش ماه باشد، دادگاه می تواند مدت

باقیمانده را مورد حکم قرار دهد.

تبصره ۱- در صورت محکومیت به منع

اشتغال به خدمت در یک نقطه یا نقاط معین،

تعیین محل خدمت جدید به عهده یگان

یاسازمان مربوط می باشد.

تبصره ۲- در کلیه جرایمی که مجازات

قانونی حبس تا سه ماه می باشد، قاضی

مکلف به تبدیل مجازات حبس به جزای

نقدی می باشد.

*** ماده (۴) ***

در کلیه مواردی که حداکثر مجازات حبس

در این قانون «بیش از دو سال تا پنج سال»

است، دادگاه می تواند در صورت وجود

جهات مخففه، مجازات حبس را تا یک سوم

حداقل مجازات قانونی جرم تخفیف دهد و

یا به یکی از مجازات های ذیل متناسب با

مجازات اصلی تبدیل نماید:

الف) در مورد کارکنان پایور:

۱- جزای نقدی از ده میلیون ریال تا

پنجاه میلیون ریال.

۲- محرومیت از ترفیع از شش ماه تا دو سال.

۳- تنزیل یک درجه و یارتبه.

۴- انفصال موقت از شش ماه تا یک

سال.

ب) در مورد کارکنان وظیفه:

۱- جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا سی

میلیون ریال.

۲- اضافه خدمت از سه ماه تا شش ماه.

*** ماده (۵) ***

«در تمام مواردی که حداکثر مجازات

حبس در این قانون (بیش از پنج سال) است

دادگاه می تواند در صورت وجود جهات

مخففه، مجازات حبس را تا یک سوم حداقل

مجازات قانونی جرم تخفیف و یا به یکی از

مجازات های ذیل متناسب با مجازات اصلی

تبدیل نماید:

الف) در مورد کارکنان پایور:

۱- جزای نقدی از سی میلیون ریال تا

یک صد میلیون ریال.

۲- محرومیت از ترفیع از دو سال تا

چهار سال.

۳- تنزیل یک تا دو درجه و یا رتبه.

۴- انفصال موقت به مدت یک سال.

ب) در مورد کارکنان وظیفه:

۱- جزای نقدی از ده میلیون ریال تا

پنجاه میلیون ریال.

۲- اضافه خدمت از شش ماه تا یک سال.»

*** ماده (۷) ***

«در مواردی که در این قانون، مجازات های

دیگری غیر از حبس به عنوان مجازات اصلی

پیش بینی شده، در صورت وجود جهات مخففه،

به شرح زیر قابل تبدیل و تخفیف می باشد:

الف) مجازات اخراج از خدمت یا انفصال

دایم از خدمت و یا خدمات دولتی به تنزیل دو

درجه و یا رتبه.

ب) مجازات تنزیل دو درجه یا رتبه به

تنزیل یک درجه یارتبه.

ج) مجازات تنزیل یک درجه یا رتبه به

شش ماه تا دو سال محرومیت از ترفیع.

د) مجازات جزای نقدی یا انفصال موقت

یا محرومیت از ترفیع یا اضافه خدمت تا

نصف حداقل مجازات قانونی آن.

ه) مجازات شلاق تعزیری به یک میلیون

ریال تا ده میلیون ریال جزای نقدی.»

*** ماده (۸) ***

«در مواردی که تخفیف های مقرر در مواد

(۳)، (۴) و (۵) این قانون در خصوص

مجازات حبس اعمال می شود، دادگاه

نمی تواند آن را به استناد ماده (۷) این قانون

مجدداً تخفیف دهد.»

*** ماده (۹) ***

«جهات مخففه مندرج در این قانون،

همان جهات مخففه قانون مجازات اسلامی

مصوب ۱۳۷۰/۹/۷ است.»

شرح مواد مذکور:

۱- در کلیه مواردی که مجازات جرایم در این

قانون، حبس پیش بینی شده است، دادگاه

می تواند در صورت وجود جهات مخففه،

مجازات حبس را تا یک سوم حداقل مجازات

قانونی تخفیف دهد. در این مورد فرقی بین

حبس تعلیقی یا حبس قابل اجرا نمی باشد.

در هر حال، دادگاه مکلف به رعایت این

مقررات می باشد.

۲- در کلیه جرایمی که مجازات قانونی

حبس تا سه ماه می باشد، قاضی مکلف است

در مورد کارکنان پایور، حبس را به جزای

نقدی از دو میلیون ریال تا بیست میلیون

ریال و در مورد کارکنان وظیفه از یک میلیون

ریال تا ده میلیون ریال تبدیل نماید.

۳- هر چند که عبارت «کلیه جرایم»

در صدر تبصره «۲» ماده (۳) کلیت و اطلاق

دارد، لیکن با عنایت به اینکه تبصره ناظر به

مقررات ماده (۳) بوده و از طرفی ماده (۲)



تصریح نموده که اعمال قواعد تخفیف و تبدیل مصرح در این قانون ناظر به مواردی است که مجازات جرمی در این قانون ذکر شده باشد. بنابراین، مقررات تبصره «۲» فقط در مورد جرایمی که در این قانون حداکثر مجازات قانونی آنها تا سه ماه حبس است قابل اجرا می‌باشد.

۴- باتوجه به مقررات تبصره «۲» ماده (۳) و قسمت اخیر ماده (۲) در مواردی که در این قانون حداکثر مجازات قانونی تا سه ماه حبس تعیین شده است نیازی به استناد به بندیک ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب سال ۱۳۷۳ نمی‌باشد.

۵- در مواردی که دادگاه به موجب مقررات تبصره ماده (۲) این قانون به استناد قوانین جزایی دیگر حکم صادر می‌نماید، در صورتی که حداکثر مجازات قانونی بیش از نود و یک روز حبس و حداقل آن کمتر از این باشد.

دادگاه مکلف به رعایت مقررات بند دو ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین و رأی وحدت رویه شماره ۶۴۲ مورخ ۷۸/۹/۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور می‌باشد.

۶- در مواردی که تنزیل یک تا دو درجه یارتبیه عنوان مجازات بدل از حبس در نظر گرفته شده است، ممکن است اجرای آن در مورد برخی از پایوران که دارای پایین ترین درجه نظامی یارتبیه کارمندی هستند امکان پذیر نباشد. در این گونه موارد، دادگاه‌ها می‌توانند حکم به تنزیل یک درجه یا یک رتبه دهند یا از سایر مجازات‌های تبدیلی که زمینه اجرای آنها وجود دارد و در مواد مربوط ذکر شد استفاده کنند. در مورد مقررات بند «الف» ماده (۷) نیز در صورت عدم زمینه اجرای حکم. یعنی تنزیل دو درجه یا دو رتبه می‌توان حکم را به صورت توقف در آخرین درجه یارتبیه محکوم علیه به میزان مدت توقف قانونی

درجه یا رتبه مربوط اجرا نمود؛ زیرا در این مورد مجازات تبدیلی دیگری جهت جایگزین کردن آن وجود ندارد.

۷- هر چند که در ماده (۷) آمده است: «در مواردی که در این قانون، مجازات‌های دیگری غیر از حبس به عنوان مجازات اصلی پیش بینی شده، در صورت وجود جهات مخففه به شرحی که ذکر شده، قابل تبدیل و تخفیف می‌باشد؛ اما به نظر می‌رسد حکم ماده شامل مواردی که مجازات حبس توأم با سایر مجازات‌های مذکور در ماده (۷) می‌باشد نیز می‌شود؛ چون به استناد ماده (۱۰) همین قانون، مجازات اصلی جرایم حبس است و در غالب موارد، سایر مجازات‌ها توأم با مجازات حبس آمده است. پس نتیجه می‌گیریم که مقنن در مقام بیان موضوع بوده و در این گونه موارد که مجازات حبس همراه با یکی از مجازات‌های مذکور در ماده (۷) پیش بینی شده است کیفیت تبدیل و تخفیف مجازات غیر از حبس طبق قواعد مندرج در ماده (۷) خواهد بود.

۸- قانونگذار در ماده (۸) در مقام تأکید بر این موضوع بوده که دادگاه نمی‌تواند ابتدا مجازات حبس را به استناد مواد (۳) یا (۴) یا (۵) این قانون به مجازات دیگری تبدیل و مجدداً مجازات تبدیل شده را به شرح ماده (۷) تخفیف دهد. البته قلمرو مواد (۷) و (۸) با یکدیگر متفاوت است. زیرا ماده (۷) ناظر بر مجازات‌های اصلی غیر از حبس یا با تفسیر ارائه شده در بند «۷» شامل مجازات‌های حبس توأم با سایر مجازات‌ها به عنوان مجازات اصلی می‌باشد. در حالی که ماده (۹) ناظر بر مجازات‌های تخفیف یافته یا تبدیل شده بدل از حبس می‌باشد. به هر حال مقررات ماده از این نظر که در مقام تأکید و یادآوری موضوع بوده مفید و مطلوب به نظر می‌رسد.

۹- در مورد ماده (۹) باتوجه به اینکه قانون

مجازات اسلامی مصوب ۷۰/۹/۷، آزمایشی بوده و بر اساس قانون تمدید مدت آزمایشی قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۵/۱۲/۱۲ مدت اجرای آزمایشی این قانون ده سال تمدید گردیده است و قطعاً تاریخ تصویب قانون دایمی مجازات اسلامی تغییر خواهد یافت. فلذا ذکر عبارت قانون مجازات اسلامی بدون ذکر تاریخ جامع تر بود. به هر حال، صرف نظر از این موضوع، قاضی مکلف است هنگام تخفیف مجازات، جهات مخففه که در ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی ذکر شده و شامل حال متهم می‌شود را در حکم صریحاً قید نماید؛ لیکن استناد به ماده (۲۲) ضرورتی ندارد و باید به ماده مربوط در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح استناد کرد.

۱۰- تخفیف مجازات جزای نقدی صرفاً تا یک دوم حداقل مجازات قانونی آن امکان پذیرد بوده و مجازات شلاق تعزیری نیز فقط قابل تبدیل به جزای نقدی از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال می‌باشد.

ادامه دارد

